

علی در کتاب خدا

مقاله وارده

نخستین کس از زنان که مسلمان شد خدیجه همسر وفادار و فداکار پیامبر بوده و از مردان همه دانشمندان و مفسران شیعه به اتفاق گروه عظیمی از دانشمندان اهل سنت علی علیه السلام را نخستین کسی از مردان می‌دانند که دعوت پیامبر را پاسخ گفت.

این مطالب را در ذیل آیه ۱۰۰ از سوره توبه مطرح کرده‌اند و می‌گویند منظور از «الصابقون الاولون من المهاجرین و الانصار و...» حضرت علی(ع) است که اولین مسلمان است.^(۱) حدیث دیگری از پیامبر داریم که حضرت علی(ع) را اولین مسلمان و اولین ایمان آورنده می‌داند: «یا علی انت اول المؤمنین ایماناً و اول المسلمین اسلاماً و انت منی بمنزلة هارون من موسی».^(۲)

قابل توجه این که حدیث معروفی در اینجا داریم که در کتب شیعه و اهل تسنن نقل شده است. طبق این حدیث آیه فوق درباره پیامبر(ص) و علی علیه السلام نازل شده است. چون پیامبر دخترش فاطمه(س) را به همسری علی(ع) در آورد، به این ترتیب علی(ع) هم پسر عموی پیامبر و هم همسر دخترش بود و این است معنی (نسباً و صهرماً).^(۳)

سوره اعراف آیه ۴۴ «... فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ

رنجها که از سوی کافران تحمیل می‌شد و در تمام مصایب از قبیل شمش ابی‌طالب و تحت فشار گذاشتن پیامبر توسط کفار، که دست از دعوت خود بردارد و مسائل دیگری که وجود داشت در کنار پیامبر بود و از او دفاع می‌کردند و علی(ع) نیز در کنار پدر بزرگوار خود ابوطالب در کنار پیامبر و خانواده او بود و در غم و اندوه آنها شریک بود و علی(ع) بعد از خدیجه همسر پیامبر، اول کسی بود که دعوت پیامبر را لبیک گفت و در همان جلسه‌ای که پیامبر با خویشاوندان خویش در اوایل رسالت خود تشکیل داده بود علاقمندی به پیامبر و مسلمان شدن خود را مطرح کرد.

برای علی(ع) همین بس که او پسرعمو و داماد خاتم الانبیاء(ص) بود و همسری چون فاطمه سیده نساء عالمین داشت و فرزندانسی چون حسن و حسین(ع) - سروران جوانان اهل بهشت - از او بودند. اگر بخواهیم نمونه بارزی از جامع خوبیها و فضایل را در تاریخ پیامبر جز علی و خاندانش کس دیگر صاحب این فضیلتها و امتیازها نبوده است و نیست.

■ نخستین مسلمان چه کسی بود؟
در پاسخ این سؤال همه متفقاً گفته‌اند

دست بر قلم بردیم تا با استعانت از خداوند سبحان بتوانیم ذره‌ای از دریای بی کران صفات مولای متقیان علی(ع) را در کتاب آسمانی بیابیم و از خداوند متعال خواستاریم که جسارت و گستاخی را بر ما بیخشد از آن رو که ما قدرت فهم فضایل علی(ع) را نداریم چه خامه شکسته و زبان الکن و فهم قاصر است و شناخت او فقط توسط خدا و پیغمبرش میسر می‌شود و بس و ما هرچه بنویسیم و بخوانیم مثل آن است که بر لب دریایی ایستاده باشیم و فقط از ساحل آن سود ببریم چون نمی‌توانیم در وسط آن غوطه ور بشویم چه هر کس به اندازه فهم و درک خود می‌تواند از این بحر لایتناهی استفاده کند.

در ضمن خاطر نشان می‌شود مطالبی که در این جا مطرح شده کم و بیش خوانندگان محترم با آن آشنا هستند و تقریباً مطالب ما بازگو کننده صحبت‌ها و نوشته‌های دیگران است و از این رو که سعی شده در حد توان قسمتی از آیات و مطالب مربوط به این موضوع در این مقاله گنجانده شود، حایز اهمیت است.

از فضائل علی(ع) سخن رانندیم چون علی(ع) از خانواده‌ای است از بنی‌هاشم که در همان اوایل رسالت پیامبر(ص) جزء اولین کسانی بودند که ایمان آوردند و با او در سختیها و

۲۴۴۷

ان لعنة الله على الظالمين؛ ندا دهنده‌ای در میان آنها ندا می‌دهد که لعنت خدا بر ستمگران باد.» در این که این مؤذن (ندا دهنده) که صدای او را همگان می‌شنوند و در حقیقت، سیطره تفوقی بر همه آنها دارد کیست؟ از آیه چیزی استفاده نمی‌شود ولی در روایات اسلامی که در تفسیر و توضیح آیه فوق آمده است غالباً به امیرمؤمنان علی(ع) تفسیر شده است. حاکم ابوالقاسم حسکانی که از دانشمندان اهل سنت است به سند خود از محمد حنفیه از علی(ع) نقل می‌کند که فرمود: «انا ذلک المؤذن؛ آنکه این ندا را می‌دهد منم» و همچنین به سند خود از ابن عباس نقل می‌کند که علی(ع) در قرآن نام‌هایی دارد که مردم نمی‌دانند از جمله مؤذن در آیه شریفه: «فأذن مؤذن بينهم» علی است که این ندا را در می‌دهد و می‌گوید: «الا لعنة الله على الذين كذبوا بولايتي و استخفوا بحقي؛ لعنت خدا بر آنها باد که ولایت مرا تکذیب کردند و حق مرا کوچک شمردند.»

از طریق شیعه نیز روایات متعددی در این زمینه وارد شده است از جمله این که (صدوق) با سند خود از امام باقر(ع) نقل می‌کند که امیرمؤمنان علی(ع) به هنگام بازگشت از میدان جنگ نهروان مطلع شد که معاویه آشکارا او را دشنام می‌دهد و یارانش را به قتل می‌رساند حضرت برخاست و خطابه‌ای ایراد کرد و در ضمن فرمود: ندا دهنده در دنیا و آخرت منم، همانگونه که خداوند می‌فرماید: «فأذن مؤذن بينهم ان لعنة الله على الظالمين» من آن مؤذن رستاخیزم و نیز می‌فرماید: «و اذان من الله و رسوله» به هنگام حج باید از طرف خدا و پیامبر این صدا به گوش همه مردم برسد. آن مؤذن نیز من بودم.

ما فکر می‌کنیم علت این که مولای متقیان به عنوان مؤذن و ندا دهنده در آن روز انتخاب می‌شود این است که او لادری دنیا نیز این منصب را از طرف خدا و پیامبر(ص) داشت، زیرا پس از فتح مکه ساموریت پیدا کرد که سوره برائت را در مراسم حج با صدای رسا یوانی همه مردم بخواند و اعلام دارد «و اذان من الله و رسوله الی اناس یوم النحر الاکبر ان الله یرى من ینکرکین و رسوله ینالی من ینکرکین» از طرف خداوند و پیامبرش به همه مردم در روز حج اکبر که خدا و رسولان از مشرکان بیزاریتند، شایان بر رفتن علی(ع) در تمام محفل را شکی موقوفه مبارزه با ظلم و ستم و درگیری سادوم با ظالمان و ستمگران بود. بنظر آن که حمایت از مظلوم و دشمنی با ظالم در تمام فراقهای تاریخ زندگی او را توجه به شرابها خاص شمرش می‌درخشید.

همانطور که نمایندگی از سوی پیامبر در مراسم حج و ابلاغ سوره برائت یکی از بزرگترین افتخارات او محسوب می‌شود، و همانطور که مبارزه با ظالمان و ستمگران از برجسته‌ترین فضائل او است، تصدی این منصب در قیامت که دنباله همان برنامه است نیز فضیلت آشکاری محسوب می‌شود.^(۴)

از دیگر آیاتی که در شأن مولای متقیان علی(ع) نازل شده است، آیه مباهله است که طبق بعضی از نقل‌ها این آیه (آیه مباهله) و آیه انما ولیکم الله در روز ۲۴ ماه ذی الحجه نازل شده است.

«فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم تبتهل فنجعل لعنت الله على الکاذبین»^(۵) ابتهال در زبان عرب به دو معنی زاری کردن و لعنت کردن آمده است مباهله نیز به معنی یکدیگر را لعنت کردن است. این آیه و دو آیه پیش از آن درباره فرستادگان مسیحیان نجران نازل گشته که پیش پیامبر(ص) آمدند و گفتند: شما درباره عیسی(ع) چه می‌گویید؟ پیامبر(ص) فرمود: او بنده برگزیده خدا بود. او را پدری نبود و خداوند او را همانند حضرت آدم(ع) آفرید، چون مسیحیان نجران به ناروا گفتار پیامبر اسلام را نپذیرفتند رسول خدا(ص) آنان را به (مباهله) فرا خواند، ولی ایشان که در دل به درستی سخنان پیامبر(ص) بی برده بودند از مباهله سرباز زدند و به جای آن جزیه پرداختند. عموم علمای شیعه و اکثر علمای اهل سنت بر این قول متفق‌اند که «ابناءنا و نساءنا و انفسنا؛ فرزندانمان و زنانمان و خودمان» در این آیه به ترتیب بر امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و حضرت فاطمه(ع) و حضرت علی(ع) منطبق است و پیامبر آنان را خواست و فرمود اینها اهل بیت منند.^(۶)

از فخر رازی کلامی در ذیل آیه مباهله منقول است که نقل آن در اینجا مناسب است. فخر بن الخلیط گفت که شیهه از این آیه استدلال می‌کند بر آن که علی بن ابیطالب(ع) از جمیع پیغمبران بجز پیغمبر خاتم(ص) و از جمیع مسلمانان افضل است زیرا که حج تعالی فرمود: «انفسنا و انفسکم؛ بخوانیم نفسهای خود و نفسهای شما را» مراد از نفس، نفس مقدس، نبوی نیست، زیرا که دعوت اقتصادی مبارات در کتا و انسی خود را نمی‌خواند پس باید مراد دیگری باشد و به اتفاق غیر از زنان و پسران کسی که با نفیست تعبیر از او شده بنیر از علی بن ابیطالب(ع) نبود، پس معلوم شد که حقیقتاً نفس علی را نفس محمد گفته است و اتحاد

حقیقی میان دو نفس محال است. پس باید که مجاز باشد و در علم اصول مقرر است که حمل لفظ بر اقرب مجازات اولی است از حمل بر ابعده و اقرب مجازات استوای علی است با حضرت رسول(ص) به جمیع امور و شرکت در جمیع کمالات مگر آن چه به دلیل خارج شود مانند نبوت که به اجماع بیرون رفته است و علی در این امر با او شریک نیست اما در کمالات دیگر با او شریک است که از جمله فضیلت رسول خداست بر سایر پیغمبران و جمیع صحابه و مردمان پس علی(ع) نیز باید افضل باشد.^(۷)

آیه تجوی سوره مجادله آیه ۱۲: «یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی تجویکم صدقة ذالک خیر لکم و اطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم؛ ای اهل ایمان هرگاه بخواهید که با رسول سخن سزی گویند پیش از این کار باید (مبلغی) صدقه دهید که این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر از فقر چیزی برای صدقه نیاید در این صورت خدا البته آمرزنده و مهربان است.»

در شأن نزول این آیه (زجاج) گفته است سبب آن بود که توانگران نزد پیامبر خدا می‌رفتند و درباره آنچه که می‌خواستند با وی به رایزنی نهانی می‌پرداختند ولی تهیدستان از چنین امکانی برخوردار نبودند. از این رو خداوند برایشان واجب ساخت که پیش از شور و رایزنی با پیامبر(ص) چیزی (صدقه‌ای) - کم یا بیش - در راه خدا بدهند (ذلک خیر لکم و اطهر) یعنی پیشداشت صدقه برای شما بهتر و برای جلوگیری از گناه کارسازتر است. زیرا که با پرداختن آن، به انجام دادن کاری نیکو روی آورده‌اید اگر برای صدقه دادن، چیزی به دست نیاوردید، خداوند درباره آن از شما چشم خواهد پوشید و شما را در پوشش بخشایش خود قرار خواهد داد. در پی این دستور، دیگر کسی به تجوی با پیامبر روی نیاورد ولی امیرالمؤمنین علی(ع) یک دینار از کسی وام گرفت و آن را در راه خدا داد و با پیامبر(ص) به تجوی پرداخت و پس از آن، حکم تصدق برای رایزنی نهانی با پیامبر به وسیله آیه‌ای پس از آیه تجوی از میان برداشته شد. عبدالله بن عمر گفت: عالمی بین ابیطالب نارای شد و بیژنی بود که اگر من یکی از آنها را دارا می‌بودم از اشتران سرخ سوی برای من درست داشتی تر بود، (ده سوسه) و به با فاطمه ۲۰ سیردن برچشم به دست وی در کارزار خیبر ۳۰ آیه تجوی.^(۸)

آیه دیگری که درباره شأن و منزلت حضرت علی(ع) نازل شده است، آیه ۲۷ سوره بقره است: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء



۲۴۹۸

مرضات الله و الله رؤفٌ بالعباد؛ بعضی از مردم جان خود را در برابر خشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است. شأن نزول این آیه چنین است که در نظامی که پیغمبر اسلام تمامیم گرفت اینجا برت کند علی (ع) را به جای خویش قرار داد و شب هنگام که می خواست بسوی غار ثور برود و مشرکان اطراف خانه را برای حمله به او مأمور کرده بودند، نور داد علی (ع) در بستر او بخوابد و پارچه سبزی رنگی (زرد خشمی) که مخصوص خود پیغمبر بود روی خویش بکشد در این هنگام خداوند به (جبرئیل و میکائیل) وحی فرستاد که من بین شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی از شما را طولانی تر قرار دادم کدام یک از شما حاضر است ایثار به نفس کند و زندگی دیگری را بر خود مقدم دارد: هیچکدام حاضر نشدند به آنها وحی شد اکنون علی در بستر پیغمبر من خوابیده و آماده شده جان خویش را فدای او سازد، به زمین بروید و حافظ و نگهبان او باشید. هنگامی که جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای علی نشستند بودند جبرئیل می گفت: به به آفرین به تو ای علی خداوند به وسیله تو به فرشتگان مباحث می کند و در این هنگام بود که آیه فوق نازل گردید و به همین دلیل آن شب تاریخی به نام «لیلة المیت» نامیده شده است.^(۱۱)

سوره (هل ائی) یکی دیگر از آیات مهمی است که در شأن علی (ع) نازل شده است و آن سوره، سوره دهر است که دو آیه آن مشهورتر از همه آیات آن است از این قرار: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً، انما نطعمکم لوجه الله لانرید منکم جزاء و لاشکوراً؛ او هم بر دوستی او به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می دهند و گویند، ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می دهیم و از شما هیچ پاداش و سیاسی نمی طلبیم» و این از کثرت جود و سخاوت، آن جناب روزها روزه می گرفت و شبها بگرسنگی می گذراند و قوت خود را به دیگران عطا می فرمود و این سوره در باب ایثار آن حضرت نازل شده. هم این آیه و هم آیه ۲۷۳ سوره بقره در شأن او نازل شده است که می فرماید: «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرّاً و علانیه قلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون؛ آنها که اموال

خود را به هنگام شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، نزدشان نزد پروردگارتان است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند» آن حضرت در همین در شب، در همین در روز و در همین در آشکارا، در همین در پنهان انفاق می کرد.^(۱۲) آن حضرت کارگری می کرد و اجرتش را تصدق می نمود و خود از گرسنگی بر شکم مبارک سست می بست و بس است شهادت معاویه که اعدا عدو آن حضرت است که در سخاوت آن جناب گفته: که علی (ع) اگر مالک شود خانههای او را از خانههای او که، ملای را بیشتر تصدق می کند تا هیچ از آن نماند.^(۱۳)

یکی دیگر از آیاتی که شأن نزول آن را به حضرت علی (ع) نسبت می دهند، آیه بز که آیه ۱۷۷ از سوره بقره است، به دلیل طولانی بودن آیه آن را اینجا نمی آوریم و فقط ترجمه آن را ذکر می کنیم. آیه اینگونه است: «نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید لکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان آسمان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آرد و دارائی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز بها دارد و زکوة مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کارزار و سختی ها صبور و شکیبا باشد و به وقت رنج و تعب صبر پیشه کند کسانی که بدین اوصاف آراسته اند آنها به حقیقت راستگویان عالم و ایشان پرهیزگار اند.»

سبب نزول آیه آن بوده که یهود رو به مغرب و ترسایان رو به مشرق نماز می گزارند و می گفتند: نیکویی خود همین گونه نماز گزاردن است که ما می گزاریم ولی خداوند با قزو فرستادن این آیه گفته های آنان را تکذیب کرد، چون عوض شدن قیلة مسلمانان از بیت المقدس به کعبه سبب گشته بود که در این باره سخنان بسیاری گفته شود و حتی سخن را به اینجا رسانیده بودند که گویی در طاعت خداوند جز به نماز نباید روی آورد، این آیه فرود آمد تا در پاسخ به این سخنان به ویژه گفته های یهود، آنچه که لازمست بیان گردد. در این آیه برای کلمه «البر» دو معنی یاد کرده اند: ۱- این عباس و مجاهد گفته اند: همه نیکی تنها در روی آوردن

به نماز نیست و طاعت های دیگر را نیز باید به جای آوردند. چنانکه ترمذی و دیگران می پندارند، نیکی آن نیست که به مشرفی یا مغرب روی آورند، ولی نیکوکار کسی است که به خدا و روز بازرسین و فرشتگان و کتب آسمانی یا قرآن و به پاکی پیامبران ایمان آورد و با همه دلبستگی که به دارایی خود دارد، آن را در راه خدا به نزدیکان خود یا چنانکه از امام باقر و امام صادق (ع) روایت است به نزدیکان پیاپی بدهد. چنانکه این معنی در آیه: «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی (شوری- ۳۳) هم آمده است. طبرسی می گوید: این آیه بر وجوب پرداخت زکات (دارایی)، دلالت دارد هم او می نویسد آیه بالا درباره امیرمؤمنان (ع) است زیرا همه مسلمانان در این گفته هم داستان اند که او بود که همه خوبیهای یاد شده را دارا بود نه دیگران.^(۱۴)

در تفسیر نور ذیل شرح آیه «بر» چنین می آورد. یکی از پیامها و نکته های این آیه صبر است و یکی از شرایط رسیدن به مقام رهبری نیز صبر و بردباری است. آنجا که می فرماید: «جعلنا منهم ائمة یتهدون بامرنا لما صبروا؛ آنان را به خاطر صبرشان پیشوایان قرار دادیم که بر امر ما هدایت می نمودند» (شاهد مثال) و از همین نکته نگارنده تفسیر استفاده می کند و می گوید: چون صبر در حضرت علی (ع) به تمام و کمال متجلی شده بود این آیه در شأن او نازل شده است.^(۱۵)

آیه امانت یکی دیگر از آیاتی است که به حضرت علی (ع) آن را تفسیر کرده اند، آیه چنین است: «انما عرضنا الامانة علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشقن منها و حملها الانسان انه کان ظلوماً جهولاً؛ ما بر آسمان ها و زمین و کوه های عالم عرض امانت کردیم آن ها امتناع ورزیدند و اندیشه کردند تا انسان (ناتوان) بپذیرفت و انسان هم در مقام آزمایش و اداء امانت بسیار ستمکار و نادان است.»^(۱۶)

برای کلمه امانت در این آیه، چند معنی ذکر کرده اند. ۱- امانت عبارت است از فرمانبرداری از

۲۹۴۹

دستور خدا و پرهیز از نافرمانی وی. ۲- ابن عباس و مجاهد، آن را به معنی احکام و فرائضی که از سوی خدا بر مردم واجب گشته است، دانسته‌اند، حضرت علی (ع) گفته است: امانتی که خداوند بر آسمان‌ها و زمین پیشنهاد کرد و آن‌ها توان تحمل آن را در خود ندیدند، نماز است. ۳- به معنی امانت مردم و استوار ماندن در راه آن است. ۴- امام جعفر صادق (ع) امانت را عبارت از ولایت علی بن ابیطالب (ع) دانسته است. کلمه امانت در قرآن در چندین آیه به کار رفته است، ولی خداوند در این آیه ارزش امانت را بزرگ داشته و فرمان داده است که نسبت به انجام دادن آن استوار باشند و در پاسخ این پرسش که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها جمادند و تکلیفی ندارند، پس چرا از سوی خداوند، چنین کلامی گفته شده است، گفته‌اند که منظور، اهل آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها بوده است. یعنی اهل السماوات که مضاف حذف شده و مضاف الیه در جای آن نشسته است. دیگر آن که نشان دادن شکوه و والایی این امانت در نظر بوده است. بدین معنی که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها با همه عظمتی که دارند، از پذیرفتن این امانت درمانده به خود لرزیدند ولی انسان برخود ستمگر و ناآگاه به چند و چونی این امانت آن را بر خود پذیرفت. برخی حمل امانت را به معنی خیانت در آن گفته‌اند و کلمه انسان را در معنی مردم خائن به امانت دانسته‌اند.

آیه ولایت یکی از مهم‌ترین آیاتی که در شأن علی (ع) نازل شده است و حقیقت او را بعد از پیامبر ثابت می‌کند. «البرم اکملت لکم دینکم و ما رغبنا ان ینزلکم الله و رسول الله» (۱۶) در آیه یاد شده را می‌توان از آیه‌هایی که نشان دهنده ولایت علی بن ابیطالب (ع) هستند به شمار آورد. از این رو است که خبری در تفسیر خود نخستین آیه از دو آیه بالا را آیه ولایت نام می‌نهد. شگفتی که این آیه فرود آمد، حضرت پیامبر اکرم (ص) دست حضرت علی را گرفت و بالا برد و سپس گفت: «بار خدا را من مولا و

سرپرست هر کس هستم، علی نیز سرپرست اوست. خداوند دوستدار او را دوست و دشمن او را دشمن دار. یاور او را یاری ده و کسی را که وی را خسوار شمرد، خسوار دار.» از امام باقر و امام صادق (ع) روایت است که این آیه در بازگشت پیامبر از حجةالوداع پس از برگزیدن علی (ع) به پیشوایی امت، در غدیرخم نازل گشت و در قسمت دوم آیه همه مؤمنان مورد خطاب قرار گرفته‌اند که خداوند می‌گوید: با پیروز ساختن شما بر دشمنان و بیرون راندن ایشان از سرزمین شما وی نعمت خود را بر شما کامل ساخته است و امر امامت علی (ع) در کمال بخشیدن به دین، نقش بسزایی دارد.

بسیاری از مفسران از جمله امام باقر و امام صادق (ع) گفته‌اند که آیه ۵۵ سوره مائده، هنگامی که علی بن ابیطالب (ع) در کوع نماز، انگشتری خود را در راه خدا به سائل بخشید درباره وی نازل گشته است. از امام باقر (ع) روایت است که شماری از یهودیان به اسلام گرویده نزد پیامبر (ص) آمدند و گفتند: ای پیام‌آور خدا، یوشع بن نون، به جای موسی (ع) نشست، پس از تو چه کسی ما را سرپرستی خواهد کرد؟ پس این آیه: «انما ولیکم الله و رسوله» فرود آمد، پیامبر آنان را به مسجد برد و دیدند سائلی از مسجد بیرون آمد، پیامبر از وی پرسید کسی چیزی به تو داد، گفت: آری این انگشتری را به من داد، پرسید: چه کسی آن را به تو داد؟ گفت: این مرد نماز گزار، پیامبر پرسید: در چه حالی آن را به تو داد؟ گفت: در حال رکوع، سپس پیامبر (ص) تکبیر گفت: «مردمان درون مسجد نیز تکبیر گفتند» (۱۷)

آیه تبلیغ، آیاتی است در قرآن مجید که آغاز آن چنین است: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالتک و اللہ یمسک من الناس ان ینفکوا لایهدی القوم الکافرین؛ ای پیغمبر آنچه از

خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای و خدا تو را از شر و آزار مردمان محفوظ خواهد داشت خدا گروه کافران را به هیچ راهی راهنمایی نخواهد کرد» (۱۸)

این آیه، این توهم را که پیامبر اسلام (ص) برای تقیه، بخشی از وحی را پنهان می‌داشته است، از میان می‌برد، از زید بن ارقم، روایت است که این آیه درباره ولایت علی (ع) فرود آمد، از اهل بیت، ابن عباس و جابر بن عبدالله روایت است که خداوند به پیامبر (ص) وحی فرستاد که علی را جانشین خود ساز، پیامبر (ص) از آن بیم داشت که بیان این مطلب، برگروهی از مسلمانان گران آید، که این آیه نازل گشت و پیامبر (ص) در روز غدیرخم دست علی را گرفت و گفت: آیا من نسبت به هستی شما مسلمانان از خود شما سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری پس گفت: آن کسی که من سرور اویم، علی سرور اوست، خدایا دوست دار او را دوست، و دشمن او را دشمن دار و از همین جا است که حدیث غدیر نیز مشهور شده است. (۱۹)

آیه «وان یکاد» یکی دیگر از آیاتی که در روز غدیر خم بر پیامبر نازل شده است، آیه ۵۱ سوره قلم از قرآن مجید: «وان یکاد الایمین کفررا لیسزلقونک بابصارهم لئاسمعوا انکرر و یقولون انه لم یجئنا به براتی که در بیان تاثر «شگفتی که آیات قرآن را می‌شنوند» (در تفسیر آن به تو از غط خشم نزدیک است که ترا با چشم زدن) از پای درآورند (با وجود که آن خرد و وقار تو) و از روی رشک می‌گویند که او دیوانه است در صورتی که تا فرار رسیدن روز رستاخیز، قرآن برای مردم مایه شرف و کرامت است. گفته‌اند که چون حضرت محمد (ص) مردم را از گمراهی رهانیده و آنان را به راه راست

راهنمایی کرده است، هستی وی برای بشریت، جز ذرف و افتخار نبوده است. همه مفسران بر آنند که منظور از «زلاق پیامبر» چشم زخم است ولی جایی آن را رد می‌کند، ابن عباس «لیزلقونک» را به معنی لیزه‌تونک یعنی با چشم‌های خویش تو را خواهند کشت، می‌خوانده است. این آیه را به گونه‌ای دیگر نیز تفسیر کرده‌اند: هنگام خواندن قرآن و فرا خواندن مردم به یگانه‌پرستی، کافران با دشمنی و کین تیزی و ناباوری به تو می‌نگرند و آنچنان تند به تو می‌نگرند که گویی نزدیک است با نگاههای خویش، تو را از جای بکنند و بر زمین کوبند از حسان شتریان روایت کرده‌اند که گفت: امام صادق (ع) در یکی از سفرهای خویش در محل غدیر خم به من گفت: هنگامی که پیامبر (ص) در اینجا دستش را بالا برد تا پایگاه والای علی (ع) را به مردم نشان دهد، یکی از حاضران گفت: به چشمه‌های بدرگرد (منظور چشم‌های رسول الله (ص)) که چگونه به این سوی و آن سوی می‌گردد، در این هنگام جبرئیل آیه «وان یکاد...» را برای وی آورد.^(۲۱)

آیه اکمال که جزء آخرین آیاتی است که بر پیامبر نازل شده است و همچنین در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است و از مهمترین آیاتی است که بر امامت مولای متقیان علی (ع) دلیل می‌آورد و آن را حجت قرار می‌دهند.

آیه ۳ از سوره مائده: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً» این آیه شریفه به اجماع شیعه در قضیه غدیر خم نازل شده است و عده‌ای از مفسرین و محدثین عامه هم با علمای شیعه در شأن نزول آیه متفقند ولی عده کثیری از عامه قائلند که آیه در عرفه روز جمعه در حجة الوداع بر پیغمبر (ص) نازل شده است چنانکه در صحیح مسلم و بخاری نقل شده است و از این جهت در معنی آیه شریفه به اشکالی برخورد کرده‌اند و آن اشکال این است که خداوند متعال می‌فرماید: «امروز دین شما را کامل کردم» و لازمه آن این

است که امروز دین کامل نبوده چنانکه فخر رازی و دیگران متفقند در صورتی که در موقع نزول آیه و بعد از آن، آیه و حکمی نازل نشده است که سبب تکمیل دین گردد. زیرا سوره مائده بلکه این آیه آخرین سوره و آیه است که به پیغمبر نازل شده است و به فاصله ۸۰ یا ۸۱ و یا ۸۲ روز بعد از نزول آیه شد. ریشه پیغمبر اسلام (ص) از دنیا رحلت فرودنزلایته به قول شیعه که نزول آیه را در غدیر خم روز هجدهم ذیحجه می‌دانند، ولی اگر در عمره نازل شده باشد ده روز افزوده می‌شود، به هر حال اشکال مزبور وارد است. در رفع این اشکال علمای عامه مخصوصاً فخر رازی جوابهایی داده و توضیحاتی کرده‌اند که رسماً معقول نیست. آیه اکمال در غدیر خم بعد از آیه تبلیغ نازل شده و خود فخر رازی هم در تفسیر آیه و شأن نزول آن بعد از احتمالات زیاد اعتراف کرده است که این آیه (آیه تبلیغ، در فضایل علی (ع) نازل شده و روایات زیادی وارد شده، ولی فوراً کلام را ناتمام و ناقص گذاشته و می‌گوید: اولی آنست که بگوییم: راجع به یهود و نصاری است و اینکه خداوند متعال می‌فرماید: «و الله یصمک من الناس» مراد یهود و نصاری است. در صورتی که روایات بسیاری دلالت بر آن دارند که مطلب غیر از این است و آیه اکمال هم بعد از آیه تبلیغ و بلاشبهه در غدیر خم و بعد از نصب علی (ع) به خلافت و ولایت بلافاصل از طرف پیغمبر اکرم (ص) نازل شده است و عده زیادی از مفسرین و محدثین بزرگ عامه هم بر این حقیقت معترفند که شرح مبسوط این نقل قولها در دایرة المعارف تشیع در جلد ۱ ذیل آیه اکمال آمده است. اما از طرق شیعه که تقریباً چنانچه قبلاً گذشت اتفاقی است، صاحب تفسیر البرهان از علی بن ابراهیم صاحب (تفسیر) نقل می‌کند: آخرین فریضه‌ای که نازل شد مسئله ولایت علی بن ابی طالب (ع) بود و بعد از آن فریضه‌ای نازل نشد مگر آیه اکمال، ابن بابویه از عبدالعزیز بن مسلم نقل می‌کند زمانی که حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به مرو تشریف آوردند و ما خدمت آن حضرت رسیدیم در ضمن کلامی حضرت فرمود: در حجة الوداع و آخر عمر پیغمبر اکرم (ص) آیه شریفه اکمال نازل شد.^(۲۱) در پایان مقاله و در تأیید آیه‌ها و نکات فوق یک شاهد مثال از تفسیر نمونه می‌آوریم که رسول خدا (ص) علی (ع) را دوبار (با صراحت) به یارانش معرفی کرده است. یک بار آن جا که فرمود: (در غدیر خم): (من کنت مولاه فهذا علی مولاه؛ هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست) و اما بار دوم هنگامی که آیه (..ان الله هو مولاه و

جبرئیل و صالح المؤمنین و السلائکة بعد ذلك ظهیر... همانا خدا یار اوست و جبرئیل و مردان صالح با ایمان و فرشتگان حق یار اویند. (سوره تحریم آیه ۳) نازل شد رسول خدا دست علی را گرفت و فرمود: ای مردم این (صالح المؤمنین) است. نویسنده (روح البیان) بعد از نقل این روایت از (خطبه) می‌گوید: مؤید این حدیث حدیث معروف (متزله) است که پیامبر به علی (ع) فرمود: «انت منی بمنزلة هارون من موسی» زیرا عنوان (صالحین) در آیات قرآن برای انبیاء آمده است و از جمله در آیه (وکلاً جعلنا صالحین) (پاره انبیاء، آیه ۲۷) و در آیه (الحنفا بالصالحین) (سوره نساء، آیه ۱۰۱) می‌باشد که در اولی عنوان صالح به جمعی از انبیاء و در دومی به حضرت یوسف اطلاق شده است و هنگامی که علی به منزله هارون باشد او نیز مصداق صالح است.^(۲۲)

این مختصر سطوری که به طور فشرده نوشته شد هرگز نمی‌تواند بازگو کننده فضیلتها و کرامت‌های مولای متقیان باشد و از خوانندگان عزیز می‌خواهیم که خودشان عزمی جزم کنند و کمر همت به شناخت بیشتر مولایشان ببندند چه اینگونه مقالات و نوشته‌ها بدون کوشش خواننده و ژرف اندیشی خودشان خیلی مورد اثر قرار نمی‌گیرد. درست است که مشت نمونه خروار است و همین فضایل او که ذکر شد نشان از دریای پهناور و وسیع دانش و کرامت‌های اوست و چنان شخصیتی را نمی‌توان با یک مقاله شناخت ولی تفکر و تعمق در این رابطه می‌تواند گره‌گشای بعضی از مبانی فکری ما باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۰۳، ذیل آیه ۱۰۰ سوره توبه.
۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۵۸.
۳. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۲۸.
۴. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۸۱، ذیل آیه ۴۴ سوره اعراف.
۵. سوره آل عمران، آیه ۶۱.
۶. دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ذیل آیه مباحله، ص ۲۵۱.
۷. منتهی الآمال، تألیف شیخ عباس قمی، ص ۱۷۶/۱۷۷.
۸. دایرة المعارف تشیع، ذیل آیه نجوی، ص ۲۵۲.
۹. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۶، ذیل آیه ۲۰۷ سوره بقره.
۱۰. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۶۷، ذیل آیه ۲۷۲ سوره بقره.
۱۱. منتهی الآمال، تألیف شیخ عباس قمی، ص ۱۷۷.
۱۲. دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ذیل آیه بقره، ص ۲۴۶.
۱۳. تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۵.
۱۴. دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ذیل آیه امانت، ص ۲۴۵.
۱۵. دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ذیل آیه تبلیغ، ص ۲۴۷.
۱۶. دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ذیل آیه وان یکاد، ص ۲۵۳.
۱۷. دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ذیل آیه اکمال، ص ۲۴۴.
۱۸. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۸۰.
۱۹. سوره احزاب، آیه ۲۳.
۲۰. سوره مائده، آیه ۳۰.
۲۱. همان، ص ۵۵.
۲۲. سوره مائده، آیه ۶۷.